

معلم در تراز نهج البلاغه

شاخص‌هایی که در گزاره‌های گوناگون نهج‌البلاغه در تبیین ملاک‌ها آمده است بیشتر ناظر به عناصر مؤثر و کارگزار اجتماعی است که در کسوت‌های مدیریتی، تربیتی و آموزشی ایفای نقش می‌نمایند.

در این میان شاید اساتید و به‌ویژه معلمان به‌دلیل ارتباط پیوسته با اقشار جوان و نوجوان بیش از هر کس مخاطب این فرازهای مرتبط با رفتارهای فردی و اجتماعی باشند. توگویی مجموع این سخنان که در این مجال بخشی از آن ارائه می‌شود خود مجموعه نکات کلیدی، کارساز و محوری در مناسبات استاد و دانشجو، معلم و دانش‌آموز و به‌ویژه مربی و متربی است.

معلمی؛ ارجمندترین مشاغل است و نمی‌شود و نباید این ارزشمندی را با سنجه‌های مادی و عادی سنجید. جامعه و کارگزاران آن هرچند در این زمینه تکلیفی بایسته دارند تا این نگاه را به معلم و رسالت تعلیم و تربیت اصلاح بکنند اما این معلم است که باید با قدرشناسی و اهمیت دادن به جایگاه شغلی، خویش را در مکان‌ت شغل پیامبری (حکمت ۹۶) و هدایت‌گری بداند و این نگاه بر شخصیت خویش و قدرشناسی از فرصت‌های تربیتی ارزشمندی را ارتقا و زمینه‌های خدمت را فراخ سازد.

معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد و فراتر از شخص به شخصیت خویش معطوف شود تا این نگاه را که مردم خوبی‌ها و شایستگی‌ها و حتی شایستگان را در تراز وجود او می‌سنجند حرمت‌گذاری نماید و از این نگاه پاسداری کند. (حکمت ۴۳۶)

همانندی شغل معلم با پیامبران؛ قرابت اندیشه و رفتار را اجتناب ناپذیر ساخته و می‌طلبد؛ معلم بسان شمع برای دانش‌آموزان و مخاطبان خویش بسوزد، مهرورزی کند و خوبی و خصلت را محمدی (ص) بنماید. (حکمت ۹۶)

معلم نه فقط به اقتضای شغل خویش حتی در مقام مرجعیت علمی و اجتماعی خویش نزدیک‌ترین‌ها به پیامبران هستند.

به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و کلاس قرابت با پیامبران دارد بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می‌آیند. (حکمت ۲۳۲)

مقبولیت معلمی

پروا پیشگی التزام به تقوای الهی یکی از محوری‌ترین اصول در موفقیت‌های معلمی است گو اینکه شغل معلمی را بیش از دانش‌اندوزی یا قبل از آموزش‌یاری با خدا ترسی عجین داشته‌اند تو گویی کار تعلیم و تربیت با تقوی ارجمند و شکوهمند می‌شود. به دیگر سخن هر چند تقوی عیار همه کارها را بالا می‌برد و ارجمندی و پایداری را تقویت می‌کند اما این مهم در مأموریتی بزرگ و سترگ چون معلمی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است.

و به تعبیر قشنگ امام علی (ع) هیچ کاری با تقوای اندک نیست و چگونه می‌شود کاری اندک شود که در پیشگاه خداوند ستوده و پذیرفته است. (حکمت ۹۵)

پیداست وقتی که تعلیم و تربیت خدایی شد، پر دامنه می‌شود و پایدار؛ چرا که علت تامه ماندگاری خدمات فرهنگی و اجتماعی را باید در ماهیت الهی آن جست. اصولاً کاری که رنگ الهی به خود بگیرد به شجره ماند که اصلش پایدار و شاخ و برگش پر دامنه است. مگر می‌شود مربی و معلمی که در قامت یک راهبر نقش‌آفرینی می‌کند پیشرو نباشد و نایافته‌ای هستی بخشی کند.

مربی باید اهل معنی، سلوک و راه رفته باشد تا بتواند تربیت کند و آموزه‌اش ماندگار گردد. پس باید مربی از خویش‌تن آغاز بکند تا دیگران و این آغاز از خویش‌تن باید با خودسازی در رفتار و سلوک باشد تا زبان و بیان و آن کس که به خود پرداخته و خویش‌تن را می‌سازد سزاوارتر بر تکریم است تا آنکه به دیگران می‌آموزد (حکمت ۷۳)

معلم برای موفقیت در مأموریت تربیتی و آموزشی خود نیازمند برخورداری از دو بازوی مقبولیت و محبوبیت است این دو هرچند برای عناصر فعال و اجتماعی راهگشاست اما برای کارمعلمی یک ضرورت است.

عوامل مقبولیت معلم

معلم وقتی موفق است که مورد پذیرش واقع شود و این شرط نخست در موفقیت و کامیابی آموزش و تربیت دانشجو و دانش‌آموز است.

باید معلم در نظر دانش‌آموزان خود، بزرگ بنماید و مقام و جایگاه تجربیات علمی ایشان مسلم شود. معلمی که تجربه آموزش و دانش و اطلاعات علمی و مهارت‌های معلمی را نداشته باشد نمی‌تواند برای دانش‌آموزان خود چشمگیر و قابل تحسین شود. اصولاً جنس آموزش و پرورش و معلم و دانش‌آموز با پذیرش و توافق نانوشته و قلبی همراه است. معرفی، تحمیل و جبر در کلاس و مدرسه، معلم و دانش‌آموز جایگاهی ندارد در این مجال از ده‌ها زمینه مقبولیت به چند مورد بسنده می‌کنیم:

۱. نگاه و نگرش معلمی

معلم در گروه ارزش‌گذاری‌های خویش است و دانش‌آموزان قیمت و وزن معلم را در چیزی می‌دانند که در علاقه، زبان و اراده معلم نمود دارد. گرایش و ابراز علاقه که شیب شخصیتی یک معلم را نشان می‌دهد لزوماً به گفتن و نوشتن محدود نمی‌شود بلکه در تعامل کوتاه معلم و دانش‌آموز و در فعالیتهای رسمی و غیررسمی ایشان نیز قابل رصد است. می‌توان گفت ارزش یک معلم در اندیشه، گفتار و به‌ویژه رفتار نمود می‌یابد و به تعبیر بلند حضرت علی علیه‌السلام سخن وزن شخصیتی انسان در گروه آن چیزی است که بدان اندیشه می‌کند و فضای فکری ایشان را در خود می‌گیرد. (حکمت ۱۴۸ و ۸۱)

معلمی که در کلاس از دانش، علم و پژوهش و یا ارزش‌های انسانی و کمالات فردی و تعاملات اجتماعی سخن می‌گوید با کسی که از ثروت، مادیات، برخورداری‌ها و قدرت و زیرکی و زرنگی اجتماعی سخن می‌گوید، تفاوت دارد. معلم با کلام و رفتار و سوگیری‌های خود نشان می‌دهد که سرانجام انسان خدایی شدن و رسیدن به ارزش‌های والای انسانی است نه شهوت و برخورداری‌های جنسی، مادی و جایگاهی. (حکمت ۹۰)

۲. اندیشه و دانش معلمی

وزن معلم در کلاس و مدرسه به بیان و توان علمی ایشان است و مهم‌تر از همه شخصیت معنوی، اجتماعی و اخلاقی ایشان در گروه زبان و محتوای بیانی او است.

برای همین بر معلم است که هم خوب سخن بگوید و هم سخن خوب بگوید. خوب سخن گفتن در گروه مهارت‌های زبانی و بیانی و دانش و فنون کلاس‌داری و اسلوب‌های مدیریت کلاس است و سخن خوب گفتن مربوط به مطالعه، دانش، پژوهش و مهم‌تر از همه اندیشه پیوسته ایشان.

معلمی که از دانش عمومی و تخصصی بهره‌مند باشد و در حوزه آموزش از اندیشه و تازه‌های علمی برخوردار شود، بهتر می‌تواند در قامت یک معلمی فرزانه و برخوردار از دانش و اندیشه نقش‌آفرینی کند. شاید فرصت‌های مطالعاتی ضمن تدریس را که در زمینه‌های آموزش اساتید و معلمان تدبیر شده ناظر به همین نیاز علمی و آموزشی و مطالعاتی باشد (حکمت ۹۲).

معلم باید در کنار ۲۴ ساعت آموزش، ۲۴ ساعت در مطالعه، اندیشه، طرح درس و به‌روزرسانی خویش باشد و اگر جز این شود خسارت به آموزش و پرورش و دانش‌آموز است.

۳. جسارت «نمی‌دانم»

معلمی که علمی دارد و اهل جهد و جدیت در دانش است ولع دانش‌اندوزی داشته و در اندیشه دانش و دانستن است و این ویژگی پیوسته او را در تکاپوی مطالعه و دانش قرار داده و ناآرام دانستن می‌سازد. این احساس که ریشه در درون ناآرام دارد همیشه حس کم‌دانی و نیازمندی را فروتنانه در ایشان شعله‌ور می‌سازد. به تجربه ثابت شده است معلم و استادی که درگاه تردید و نیاز به مطالعه و تأمل فروتنانه به ندانستن اعتراف نماید خود درسی بزرگ و ماندگار برای دانش‌آموزان و دانشجویان خواهد بود. توضیح شرح اللفظی، توجیه و دست و پا زدن برای گریز از ندانستن خلاف شیوه مرسوم بین بزرگان و سرآمدان علم و دانش است. در احوالات شیخ اعظم انصاری و علامه طباطبایی و بزرگان دیگر اذعان به ندانستن فصلی ماندگار و جسارتی بزرگ ثبت و جاودانه شده است.

چه زیباست این سخن حضرت علی (ع): من ترک قول لا أدری أصیبت مقاتله. (حکمت ۸۵)
اری معلم و استادی که بگاه تردید از گفتن نمی‌دانم روی گرداند نابود می‌شود.
و به تجربه ثابت شده است که این قبیل اساتید نه تنها به بزرگی ودانایی معروف نشدند که از فرزانی و مقبولیت افتادند

۴. تجربه اندوزی لازمه مقبولیت

استفاده از ظرفیت اهل کسوت و تجربه و انتقال دانش و مهارت پیشکسوتان؛ معلمان جوان و تازه وارد به عرصه تعلیم و تربیت را از آزمون و خطا بی‌نیاز می‌سازد.
مهارت‌های آموزش، طرح درس، شیوه‌های ارائه و انتقال و تعامل با قشر کودک و نوجوان و پایش و ارزیابی تأثیر برنامه‌ها و فعالیت‌ها در رفتار فردی و عمومی دانش‌آموزان و... چیزی نیست که یک ساله و بدون آزمون‌های عدیده به‌دست آید. انتقال طبیعی و دوستانه تجربیات معلمی نیازمند فراهم ساختن مناسبات خوب بین پیشکسوتان و معلمان جدید است.
معلم جوان باید بخشی از برنامه‌های خود را استفاده از تجربیات گذشتگان بداند. کسی که سابقه ۲۰ یا ۳۰ ساله دارد و یا به افتخار بازنشستگی نائل آمده است باید طرف مراجعه معلمان کم سابقه و جوان خویش باشد.
پیداست استفاده از این تجربیات که با کلی زحمت و هزینه به‌دست آمده است، حرکت معلمان را شتاب و مسیر رسیدن به اهداف و برنامه‌ها را آسان خواهد کرد و این یک واقعیت است که استفاده از مشورت و تجربیات اهل دانش و تجربه دانش عمل و خرد برنامه‌ریزی را تقویت می‌کند.
حضرت امیر(ع) در فرازی از سخنان ارزشمند خود به این نکته ظریف و کارآمد توصیه می‌کنند و می‌فرمایند: نزد من اندیشه پیر از تلاش جوان خوشایندتر است. (حکمت ۸۶)

۵. نقدپذیری در معلمی

در همه مشاغل به‌ویژه در حوزه تعلیم و تعلم نقد و نقدپذیری از ویژگی‌های پسندیده است. معلم و استادی که نقدپذیر نباشد مقبولیت قابل توجهی ندارد. دور نیست اگر گفته شود یکی از ویژگی‌های معلم موفق استقبال از نقد است. کلاس‌هایی که در آن پرسشگری نباشد و یا معلم و استاد؛ دانشجو و دانش‌آموز نقاد نداشته باشند کلاس مرده است و هم استاد از به‌روزرسانی خود باز می‌ماند.
معلم برای روزآمد شدن و توسعه دانش و آگاهی‌های علمی نیازمند دانشجو و دانش‌آموزان پر مسأله است و شاید یکی از آفت‌های دامن‌گیر کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها، فقر، مسأله و نبود سؤال باشد. تو گویی دانش‌آموز و

دانشجو چشمش را از عقربه‌های ساعت نمی‌گیرد و هر لحظه ساعت و موبایلش را می‌نگرد و کندی حرکت زمان را به زحمت تحمل می‌کند.

معلم برای چابک شدن و ارتقای توان و اندیشه و مهم‌تر از همه تغییر رویکردهای آموزشی و شیوه و قالب‌های یاددهی و یادگیری نیازمند نقدهای سازنده است و شاید بهتر باشد که معلم و مدیر زمینه‌های این نقد را از طرف دانش‌آموزان، معلمان، اولیاء و جامعه هدف مرتبط فراهم نمایند.

مدرسه، مدیر و معلم برخوردار از ظرفیت‌های نقد بیش از دیگران از ثمرات و نتایج آن برخوردار می‌شوند. و نقد هر چند ظاهرش تلخ و تحملش سخت می‌نماید اما باطنش بشارت‌بخش و سازنده است. به تعبیر حضرت امیر علی (ع) نتیجه هشدار، بشارت و مژده است و آن کس که تو را هشدار و نقد داد همانند کسی است که تو را مژده داد. (حکمت ۵۹)

۶. مطالعه و دانش‌افزایی

امروز یکی از آسیب‌های جدی در جامعه به‌ویژه میان نخبگان و معلمان؛ ضعف مطالعه و دانش‌افزایی است. سرانه مطالعه در میان توده‌های مردم و حتی اهل دانشگاه و مدرسه و سوگمندان اساتید و معلمان رو به کاهش نهاده است؛ سرانه‌های اعلانی از سوی مدیران ارشد فرهنگی که پرده از یک واقعیت دردناک برمی‌دارد جدی و تأمل بر انگیز است. سرانه هفته‌ای بیست دقیقه و حتی کمتر در میان دانش‌آموزان چیزی نیست که بشود از کنار آن به‌سادگی گذشت. این در حالی است که به اذعان صاحب‌نظران، مطالعه بهترین سنج در شاخص‌های رشدیافتگی و توسعه فرهنگ در جامعه است. وقتی مطالعه و کتاب در جامعه رو به کاهش و غربت بگذارد. فرهنگ و هویت‌های آن دچار آسیب می‌شود. معلمان بی رقیب‌ترین قشر در فرهنگ‌سازی و توسعه دانش عمومی جامعه هستند و تربیت قشر آشنا با کتاب و مطالعه و علاقه به دانش با دستان با کفایت معلمان صورت می‌پذیرد.

معلم برای رسیدن به مقام راهبری و ارتقای نقش مداخله‌گری در زمینه کتاب و مطالعه نیازمند بهسازی خود با دانش و مطالعه است. به دیگر سخن باید معلم مطالعه را عملاً در خویش و سپس در جامعه، فرهنگ کند. شاید بهترین و مهم‌ترین کار برای معلم؛ دانش‌اندوزی و ارتقای توان و مهارت باشد معلم در این دنیایی که دسترسی‌ها به مطالعه و دانش افزون شده و به شکل‌های مختلف زمینه‌های آگاهی پر دامنه شده است باید بیش از دیگران به ارتقای مهارت علمی و شغلی پرداخته و بالاتر از همه از دانش و آگاهی‌های لازم برخوردار شود. در سخنی بلند حضرت علی (ع) (حکمت ۹۴) دانش‌اندوزی و ارتقای توانمندی‌های علمی را بزرگ‌ترین خیر دانسته و جایگاه آن را بالاتر از هر ثروت و حتی فرزند می‌داند شاید وجه این برتری به فرزند نقش هدایت‌گری دانش در تربیت و شکل‌گیری خانواده است. به یقین خرد و فهم انسان با مطالعه و آگاه بهتر از انسان کم دانش و مطالعه است گو اینکه دانش سرآغاز تفاوت بین افراد است.

۷. آشنایی با زمینه‌های یاددهی و یادگیری

یکی از لوازم معلمی آشنایی با زمینه‌ها، علاقه و توان ذهنی و روحی دانش‌آموزان است. برای انتقال دانش؛ مؤلفه‌های عدیده‌ای لازم است که بدون توجه به آن کار معلمی سامان نمی‌گیرد. حالات روحی و روانی شکل و ابزارهای کلامی، اقتضائات زمانی و مکانی بخشی از آن هستند.

به تعبیر حضرت علی (ع)، دل‌ها نیز همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند پس برای شادابی دل‌ها سخنان زیبایی حکمت‌آمیز بجوید. (حکمت ۹۱)

وقتی نمی‌توان از بدن خسته کار کشید از روح فسرده نیز انتظار همراهی، شنیدن، درک و تحلیل نمی‌رود. باید روح هم مانند جسم تیمار شود تا توان همراهی و دریافت بیابد.

در فرازی دیگر می‌فرماید این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند برای نشاط آن به سخنان تازه و حکیمانه روی بیاورید (حکمت ۱۹۷).

به جاست معلم صرفاً به درس، تدریس و تکلیف نیندیشد بلکه برای ایجاد آمادگی چاره کند؛ ای بسا درس دادن‌های بدون این آمادگی و یا اصرار یک‌طرفه؛ معلم را به دلیل بی‌توجهی به شرایط؛ از مقبولیت اندازد و حتی موجب نوعی انزجار از درس و نفرت از معلم شود. کم نیستند معلمانی که به دلیل همین ناآگاهی‌ها، پایگاه دانش‌آموزی نداشته و ای بسا اسم‌شان با خاطراتی ناخرسندانه گره خورده است.

موقعیت درس و ارتباط آموزشی و به‌خصوص تربیتی خود جایگاهی دارد که بیش از همه معلم باید بدان با حساسیت و تأمل توجه نماید.

این اقبال و ادب‌ارها هستند که موجب توجه و علاقه دانش‌آموزان به معلم و محتوای آموزشی می‌شود وقتی دانش‌آموز دل به درس ندهد؛ به معلم هم بی‌توجه می‌شود؛ معلم باید بکوشد تا زمینه‌های اقبال به درس و محتوای آموزشی و تربیتی فراهم شود والا با بی‌مهری و بی‌ذوقی راه به جایی نمی‌برد.

حضرت علی (ع) فرمود: دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهش و کششی دارند زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌گردد و دل از توجه و دریافت سر باز می‌زند (حکمت ۱۹۳).

۸. معلمی باطعم فطرت

معلم متعهد نگاهش به جهان مادی نیست و جهان را جلوه جمال الهی دانسته و برای آن شعور قائل است نگاه مادی صرف که بر دانش نیز سایه انداخته و آن را بیگانه از فطرت الهی می‌نماید در قاموس معلمی راه ندارد.

معلم باید دانش را با طعم فطرت الهی ارائه کند و ذائقه فطری آموزه‌های و دریافت‌ها را جهت‌مند سازد. علما و فلاسفه بزرگ دانش را با همین نگاه ارائه کردند.

به دیگر سخن معلم باید علم را بیگانه با فطرت نیانگارد چرا که این دوگانگی بیش از دانش‌اندوزی محرومیت‌آور خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام در فرازی بلند با اشاره به همین پیوستگی می‌فرماید: علم دو گونه است علم فطری و علم اکتسابی. علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نیست. (حکمت ۳۳۸) این هم سویی و هماهنگی به اقتدار علمی معلم انجامیده و موجب مقبولیت افزون ایشان در میان دانش‌آموزان می‌شود.

۹. محبوبیت معلمی

محبوبیت از اصلی‌ترین لوازم کار معلمی است اگر معلم را دوست نداشته باشند کار معلم خوب به سامان نمی‌شود. باید معلم موقعیت کار خویش را درک کند و فراتر از یک شغل و ابزار معیشت به‌عنوان یک هنر به آن بنگرد و گفتار و رفتار را همانند یک تابلوی نقاشی یا اثر ادبی، ماندگار و اثرمند سازد.

معلم باید برخلاف دیگران مراقبت خاص از خویش بنماید و در امور ارزشی و اخلاقی و ملاحظات رفتاری و انسانی گام‌ها از دیگران پیش باشد. محبوبیت که یک خواست فطری و مطالبه زیباشناختی بشری است وقتی به کار معلمی بیاید کار معلمی را هنرمندانه می‌کند.

معلمان محبوب برای دانش‌آموزان خود فراتر از یک آموزشگر، یک طبیب و مشاور و همانند پدر و مادر مهربانند و دانش‌آموزان برای حضور در کلاس درس چنین معلمانی سر از پا نمی‌شناسند. باید معلم برای دستیابی به چنین شاخصه‌ای بکوشد و کلاس و درس را از یک برنامه رسمی، خشک و طاقت‌فرسا به یک فضای صمیمانه، عاطفی و سرشار از روابط متقابل تبدیل نماید.

پذیرش و محبوبیت الزاماتی دارد که به بخشی از آن اشاره می‌شود:

۱. نماد خوبی‌ها

معلم باید بکوشد به عنوان یک الگوی اخلاقی شناخته شود. بدیگر سخن معلم باید فراتر از خوب کار کردن تندیسی از خوبی و فضیلت باشد چرا که انسان تا خود با خوبی‌ها عجین نشود رسانی خوبی نمی شود و تا فکر و اندیشه با خوبی خو نگیرد، آستن رفتار خوب نمی‌شود. پس معلم باید فراتر از یک عمل اخلاقی خوب >فاعل فضیلت‌ها باشد. به دیگر سخن فاعل رفتار خوب ستودنی‌تر از کار خوب است و این به دلیل تأثیر و ماندگاری آن به عنوان الگو اخلاقی در اذهان دانش‌آموزان است. و بهتر باشد بگوییم کار خوب، خوب است اما وقتی عامل آن معلم باشد خوب‌تر می‌شود. و به تعبیر زیبای امام علی، نیکوکار از کار نیک بهتر است (حکمت ۳۲) معلمی که می‌خواهد محبوب شود و دوست داشتنی بماند و برای دانش‌آموزان ستودنی شود باید تجسم خوبی و نیک‌اندیشی باشد.

۲. مردمی بودم معلم

معلم دوست داشتنی، مردمی است و مردم ایشان را به عنوان چهره‌ای همسو و نیک‌اندیش می‌شناسند؛ معلم خوب، با توان، آگاهی‌بخش با مهارت‌های ارتباطی، مردم را به مشارکت می‌گیرد و نیک‌اندیشی و شخصیت الگوماند خویشتن را به شمار مردم منطقه و اولیای مدرسه تکثیر می‌کند. و در مقابل زاویه داشتن با مردم و گسست عاطفی با مردم کار آموزش را مختل و برای پیشبرد اهداف تربیتی زیان‌آور می‌شود. معلم هوشمند، مردم‌مدار است و میزان‌الحراره او مردم و انتظارات مردمی است. و بهتر باشد که بگوییم جلب و کسب رضایت مردم و تأمین مطالبات ایشان یک اصل اجتماعی است و چه بد است معلمی که برخلاف فهم و اندیشه عمومی شتاب نماید چرا که این اقدام فرجام خوشایندی نداشته و به بدبینی می‌انجامد و به تعبیر حضرت علی علیه السلام کسی که در انجام کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارد (حکمت ۳۵)

۳. نه منفعل و نه سخت‌گیر

معلم محبوب اهل اعتدال است؛ نه منفعل و سخت‌گیر. معلم باید متناسب با نیاز و ضرورت منعطف و سازگار باشد. سخت‌گیری در مدیریت کلاس، آموزش، انضباط و تکلیف و آزمون و نمره وقتی با اقتضائات همراه نشود نه تنها سازنده نیست بلکه نتیجه معکوس دارد. معلم باید بیش از هر کس معتدل و منعطف باشد و این آسان‌گیری به معنای رهاسازی کلاس و منفعل بودن در آن نیست بلکه در جای خود دقیق، حسابگر است و به تعبیر حضرت علی علیه السلام انسان باید آسان‌گیر باشد اما زیاده‌روی نکند و حسابگر باشد اما سخت‌گیری نکند (حکمت ۳۳)

۴. آشنایی با فرصت‌های آموزشی و تربیتی

معلم اگر بخواهد محبوبیتش افزوده شود باید اقتضائات روحی و روانی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار دهد. توجه به روحیات و زمینه و فرصت‌های آموزشی و تربیتی شاید در مقررات و قوانین آموزشی نیامده و علی‌القاعده نیست ولی یک واقعیت و امری مسلم است و به دیگر سخن یک تفاهم نانوشته بین معلم با تجربه با دانش‌آموزان است. تعبیر زیادی در کلمات حضرت امیر تحت همین عناوین و ناظر به این دست ملاحظات روحی و روانی مخاطب است. تعبیری چون: دل افسرده (حکمت ۹۱) و اقبال و ادبارها مرتبط با روحیات مخاطب (حکمت ۱۹۳) و اینکه خستگی دل همانند خستگی جسم بی‌تابی و کم‌تحمیلی می‌آورد و توان دریافت ندارد (حکمت ۱۹۷) ...

۵. وفاداری و تعهد

معلم نمی‌تواند در کلاس نسبت به رفتار دانش‌آموزان خود بی‌تفاوت باشد بنابراین معلم خواسته یا ناخواسته دانش‌آموزان خود را اندرز می‌دهد، توصیه می‌کند و به آنچه می‌گوید پایبندی می‌دهد به دیگر سخن معلم بیش از حرف عمل می‌کند و به آنچه بر زبان می‌راند وفادار و اهل عمل و تعهد است و دانش‌آموزان به تبع، خوبی‌ها را نه از زبان که از عملش دریافت و به کار می‌گیرند.

در واقع معلم محبوب پایبند حرف و سخن خویشتن است چرا که دانش‌های از جنس سبک زندگی، اخلاق، معنویات و خودسازی و مهارت‌های فردی و اجتماعی؛ وقتی ارزشمند هستند که نه از زبان که در رفتار نمود یابد حضرت امیر بی‌ارزش‌ترین دانش را دانشی می‌داند که بر سر زبان است و برترین علم را علمی می‌داند که در اعضا و جوارح آشکار است (حکمت ۹۲)

شاید برای تأکید بر همین واقعیت باشد که تقوا پیشگی را از الزامات دانسته و برای اثرمندی و پایداری و قوت تأکید می‌کنند که: ارزش کار را بالا و اهمیت آن را بیشتر می‌کند. به دیگر سخن هیچ کاری با تقوا اندک نیست. (حکمت ۹۵)

۶. تحمل و بردباری

کلاس‌داری در آموزش و پرورش سخت و طاقت‌فرسا است؛ تا آموزگار نباشی نمی‌دانی چقدر مدیریت کلاس‌های ۳۰ و ۴۰ نفر دانش‌آموزان خردسال سخت است و یا در مقطع متوسطه مدیریت کلاس‌های خارج از نرم دانش‌آموزانی که در اوج هیجان و شیطننت‌های سنی هستند، سخت و شکننده می‌شود. شاید یکی از مشاغل سخت را بشود معلمی در کلاس و مدرسه دانست تلاشی که خواسته و ناخواسته توش و توان را به تحلیل می‌برد.

کار معلمی در آموزش و پرورش افزون بر دانش و مهارت به مدیریت کلاس نیازمند است برای همین معلمانی که کم‌طاقتی کرده و بی‌حوصله شوند ناخواسته از نظر می‌افتند. معلم موفق با حوصله، بردبار و برخورداری از تدبیر است چرا که بردباری و تحمل؛ محبوبیت را موجب می‌شود و علاقه را به معلم افزون می‌کند و به تعبیر حضرت امیر (ع) گویا کلید محبوبیت در بردباری و تحمل سختی‌هاست و سیادت در پایداری و تحمل سختی‌های مسئولیت است (حکمت ۱۷۶)

معلم به دلیل برخورداری از فرصت ارتباط با دانش‌آموزان به شرط برخورداری از اخلاق، تحمل و بخشش و گذشت می‌تواند به‌شمار دانش‌آموزان دوست و همراه و به تعبیر امام علی (ع) یاران به مراتب عزیزتر از خویشان دست یابد. (حکمت ۲۴۷)

۷. معلم شاخص

معلم چهره شاخص در جامعه است و مردم بدون استثنا از هر قشر و صنفی به ایشان ابراز علاقه می‌کنند و در واقع معلم حق حیات معنوی بر بسیاری از اقشار جامعه دارد و دور از انتظار نیست که معلم در همه جا هوادار داشته باشد و با همه کس ارتباطی عمیق و عاطفی برقرار کند.

محبت معلم و درس و اخلاق ایشان بذری فراتر از خویشاوندی در جامعه می‌کارد که دوستی‌ها و ارادت را به همیشگی پیوند می‌زند (حکمت ۲۴۷)

معلم محبوب در هیچ‌جا تنها نیست و با هیچ‌کس نمی‌تواند بیگانه باشد و توگویی به‌شمار دانش‌آموزان کلاس و به‌شمار همه ساله عمر معلمی خود دوست و فرزند تربیت می‌کند (حکمت ۶۵). بنابراین معلم محبوب هر چند مثل برخی از صنوف و مشاغل از آلاف والوف برخوردار نیست اما به‌شمار زیاد عده و عده دارد. به دیگر سخن اگر معلم به ثروت‌های زیادی نرسیده است در مقابل به سرمایه‌های پایدار و میراث سرشار معنوی دست یافته است که در مقابل خواسته‌های ابتدایی مادی قابل قیاس نیست.

۸. جذابیت معلم

معلم محبوب؛ فراتر از اشتغال به درس و آموزش یک چهره محوری دارد. شاید بتوان گفت راز جذابیت معلم فراتر از دانش، مهارت و آرایه‌های موفق؛ ساختار شخصیتی و حسن سیرت و قدرت معنوی ایشان باشد. برای همین وقتی سخن از معلم می‌رود مرجعیت اجتماعی و نقش‌های بی‌رقیب ایشان در ذهن تبادر می‌کند؛ معلم به دلیل قدرت روحی و توان مدیریت روحی و روانی یک شخصیت اجتماعی است که تعهد و وظیفه شناسی ایشان در شمار دانش‌آموزان خویش تکثیر شده است.

رفتار معلم در کلاس و حتی تشویق و تنبیه ایشان با دیگران تفاوت دارد او سخت و سرد کسی را سرزنش نمی‌کند و شخصیت کسی را به هر دلیل، منکوب نمی‌کند. (حکمت ۱۷۷)

معلم محبوب بردبار و حوصله‌مند است و به سادگی از کوره به در نمی‌رود گو اینکه رمز سیادت ایشان در خویشتن‌داری و شکیبایی است.

معلم بدلیل حرفه معلمی خود را آراسته است و روح خویش را با تقوی و ریاضت‌های انسانی صیقل داده است از این رو سخنش و حتی قلم و قدمش استوار، بی‌عیب و سرشار از صداقت و صمیمیت می‌شود (حکمت ۲۱۴)

آموزگاری در قامت معلم بدور از هر پلشتی و کاستی بوده؛ حرکت‌های عامیانه و ناصواب را بر نمی‌تابد بلکه فراتر از یک شهروند ملاحظاتی را برای خویش داشته و به دور از رفتارها و منش‌های کراحت‌آلوده ای است که دامن آموزگاری وی را چرکین می‌کند؛ می‌تواند رهبر و هدایت‌گر جامعه هدف خویش باشد (حکمت ۱۵۹) این چنین می‌شود که سخن معلم از دل برمی‌آید و در دل‌های پاک و تشنه‌کام می‌نشیند و سرآغازی برای تحول و حرکت در مسیر شدن می‌شود.

شاید بهتر باشد بگوییم معلم با معامله ای الهی و مجاهدت‌های نفسانی از دست بلند الهی پاداش می‌گیرد و عناصری مفید، مؤثر و خوش آتیه را تحویل جهان و جامعه انسانی می‌دهد.

این فراتر بودن، بخشش و گذشتن از خویش و خویشان و مجاهده پنهان این لطف الهی را برای ایشان رقم می‌زند تا به‌شمار دانش‌آموزان، فرزند، برادر و یار و هم‌دل داشته باشد (حکمت ۲۴۷)

شخصیتی در قامت معلم در جامعه و خارج از کلاس و مدرسه نیز درس‌آموز است اهل فضیلت و دارائی‌های لایزال الهی است وی برخوردار از منطقی استوار و متعادل زهدی پنهان است ۳۳ (۲۸) فروتن تر از معلمی که اهل ارزش و دانش است نمی‌توان یافت ۳۴ (خطبه) مردم و به‌ویژه دانش‌آموزان باید معلم را خاستگاه ارزش‌های اجتماعی جامعه خویش دانسته و از وی آداب و تعامل و ارتباط و... را بیاموزند.

معلم باید فراتر از ارزش‌های درونی؛ ظاهری آراسته و قامتی استوار و چهره ای گشاده که نگاه‌ها را ناخواسته به خود می‌گیرد باشد .

چرا نباید معلم از پوشش نظیف و ظریف و متناسب با کلاس و مدرسه و مخاطبان خود بهره بگیرد و از خوش‌بوترین‌هایی که لازمه یک انسان مومن و اجتماعی است برخوردار باشد؟

معلم وقتی موفق است که مورد پذیرش واقع شود و این شرط نخست در موفقیت و کامیابی آموزش و تربیت دانشجو و دانش‌آموز است.

باید معلم در نظر دانش‌آموزان خود، بزرگ بنماید و مقام و جایگاه تجربیات علمی ایشان مسلم شود.

معلمی که تجربه آموزش و دانش و اطلاعات علمی و مهارت‌های معلمی را نداشته باشد نمی‌تواند برای دانش‌آموزان خود چشمگیر و قابل تحسین شود.

اصولاً جنس آموزش و پرورش و معلم و دانش‌آموز با پذیرش و توافق نانوشته و قلبی همراه است. معرفی، تحمیل و جبر در کلاس و مدرسه، معلم و دانش‌آموز جایگاهی ندارد در این مجال از ده‌ها زمینه مقبولیت به چند مورد بسنده می‌کنیم